

گرفتند و همچنان مثل برزخ بماندند و حضرت رسالت علیه الصلوة
 والسلام مشفق حال برداشت و بر ایشان رحمت فرمود که درها
 زشت باز و آن حال هیچ کلام از ایشان توبه رسیده را که در روز
 بدر کشته شده عروقه بن الزبیر با عهد رسالت عمر و کنت خراج کرده
 که سخن از چیزی که با حضرت رسالت علیه الصلوة والسلام
 کردند چه بود گفت روزی حضرت رسالت علیه الصلوة والسلام
 در فناء کعبه نشسته بود تا که عقیقه بن ابی عقیق رفت
 و دو شش مازک او گرفت و جامه زر کرد و پیش پیچید چاکم راه
 حلقه او بسته شد و او بگو آمد و او را خلاص داد و وقت کسی
 را قتل میکنند که میگوید حق عثمان بن عمار است و ایامت
 بیایست آورد عاقبت گفته او بیکر باز کردید و از بسیار
 گرانند که از محاسن او کشته بودند صلاح داشت و روزی
 آمد پسر ابی موسی بود عهد رسالت که پیش از آن روز ندیده بودیم
 و السلام علیه الصلوة والسلام دعا بر قریش کرد و آن روزی بود که از آن
 بی ریز کرد و کوهی از او پیش نشسته بودند و ششمه اشتری افام
 که اعدای کعبه که بر خیزد و این مشیمه و بر پشت هی اندازد
 و عقیقه بن ابی عقیق برخاست و از او گرفت و در وقت کسی
 آن حضرت انداخت و او همچنان در سجده ماند تا قاطع یابد
 و برداشت و پیغمبر علیه الصلوة والسلام تحت اللهم علیکم

من قریش اللهم علیکم لعنتی من یبعثکم علیکم لعنتی من یبعثکم
 اللهم علیکم با بی جبل بن نضام اللهم علیکم لعنتی من ابی عقیق
 اللهم علیکم باقی بن خلف و اعمیه بن خلف و ابی کنده ایشان
 جمله را دیدیم که هر بدو کشته شدند و هر چه انداختند
 الا ابی بن خلف با امیر جمعی سنبلین بود و متعلق شد
 و چون مشرکان انواع ازین بی قیاس محضه رسالت علیه
 الصلوة والسلام می رسانیدند هر خانه ارقم یا ابن زبیر دار
 انضدادان میگویند نهان شد **فصل چهارم**
 که در حجرت بجهنم ام سلمه رضی الله عنها روایت کرد که چون
 مشرکان از پیغمبرانانی رسانیدند حضرت رسالت علیه
 الصلوة والسلام فرمود تا حجره بجهنم کردند و همیشه رفیق و غیر
 بسیار یافتیم و در جوار روی زلفه را رفیق و قریش تدبیر چنان
 کردند که از غیب ما دور و عاقل ما بهترین هر چه که از آن بود پس
 نجاشی و متیمان او فرستند که نجاشی او دست می داشتند و متیمان
 عاص و عهد رسالت را حجتا کردند و فرستادند و چون بجهنم
 آمدند حال خود با متیمان نجاشی بگفتند و هر با بر پیش ایشان رسانیدند
 بعد از آن بر پیش نجاشی رفتند و گفتند ای کل بعضی از ما خروج
 کرده اند و چیزی که از نو که ندین پیغمبران سابق است
 بیان نمودند آنند و آنرا بی داریم و از بزرگان و پیشوایان

سخنیان است